

چه هنگام باید ساز را عوض کنیم؟



چه هنگام باید ساز را عوض کنیم؟

هنوز دهساله نشده بودم که دیگر سازم را دوست نداشتم. اصلا از اولش هم دوستش نداشتم. هزار و یک عامل سبب شده بود که سازی اشتباه انتخاب کنم و دیگر دلم نمیخواست ادامه اش دهم. والدینم مرفی نداشتند، اما آن روزها به این آسانیها هم نمیشد ساز پیدا کرد. شیفتهی فلوت شده بودم و سر همه را میفوردم که برایم فلوت بخرند، اما مگر فلوت پیدا میشد؟ استادی که بنا بود نزدش فلوتنوازی بیاموزم، برایم سازی پیدا کرد و سرانجام من هم شده شاگرد فلوتش. دهسالی که فلوت زدم، دیگر با رومیاتم جور در نمیآمد. اصلا من را چه به ساز تکنوازی؟ دلم میخواست باز سازم را عوض کنم، اما دیگر رویه نمیشد. آیا دیگر دیر است که ساز دیگری را بیازمایم؟ آیا فستخ شدن مکرر من از سازها نشانهی بی‌تعهدی من است؟ شاید هزار پرسش دیگر هم به ذهن آدم بیاید. ولی مهم‌تر از همه این است آیا واقعا برای سازنوازی دیر می‌شود؟



چه هنگام باید ساز را عوض کنیم؟

بسیاری از موسیقی‌دان‌ها هستند که در میانه‌ی راه سازهای تازه‌ای اختیار می‌کنند. خیلی از این سازها به‌کل با سازهای اولیه متفاوت‌اند. برای نمونه، ویولن‌نوازی را می‌شناسم که سرانجام پرکاشن‌نواز شد، یا آلتیستی سراغ دارم که اکنون اکوله درس می‌دهد. خیلی‌ها همچون من ساز قبلی را به‌کل کنار می‌نهند و برفی هم سازهای تازه را یکی پس از دیگری به سیاه‌هی سازهای تخصصی خود می‌افزایند.

این تخییر واقعاً به چند عامل بستگی دارد، از جمله سن، وضعیت شخصی، توقعات، و البته دلیل تخییر ساز. برای نمونه، شمار زیادی از نوازندگان ویولن هستند که به سراغ ویولن آلتو می‌روند تا بتوانند جای فالی این ساز را پر کنند، چراکه عموماً تقاضا برای نوازنده‌ی آلتو زیاد است و نوازندگان هم به‌آسانی می‌توانند مهارت‌های خود را در نوازندگی ساز تازه به کار گیرند و در آن کامیاب شوند.



چه هنگام باید ساز را عوض کنیم؟

البته این بدان معنا نیست که هدف از تخریب ساز، صرفاً راه باز کردن به ارکسترهاست، بلکه بسیاری از نوازندگان واقعا به صدای بهتر ویولا دل می‌دهند و حتی اگر جایی برای خود در ارکستری نیابند، باز به سراغ این ساز می‌روند.

با این حال بسیار مهم است که در چه سنی و در چه شرایطی و با چه اهدافی چنین کاری انجام می‌شود. اگر در میان سالی و بعد از بیست سال دور از موسیقی، بنا باشد تا سازی انتخاب کنید و هدفتان هم بازگشتن به ارکسترها باشد، بی‌گمان راه دشواری در پیش خواهید داشت. اما اگر در نوجوانی و برای آزمودن صدایی تازه، ساز عوض می‌کنید، احتمالا به آسانی می‌توانید این تخریب را به درستی انجام دهید.



چه هنگام باید ساز را عوض کنیم؟

در دورانی که استاد مسین دهلوی مدیریت هنرستان موسیقی را بر دوش داشت، سنتی برجای گذاشت که هنوز هم به آن می‌نازند و آن اجبار در انتخاب ساز دوقم بود. نوازندگان سازهای غربی می‌باید سازی از شرق می‌آموختند و شرقی‌ها هم باید یکی از سازهای غربی را یاد می‌گرفتند. این شیوه به آشنایی موسیقی‌دانان به سنت‌های مختلف جهان کمک می‌کرده است و در ضمن سبب می‌شده تا هنرجویان موسیقی‌های مختلف جهان را با دیدی گشوده‌تر بنگرند. چه بسا که بسیاری از این موسیقی‌دانان در میانه‌ی راه ساز دوقم را جدی‌تر از اولی دنبال کرده باشند!

